

تعلیم و تربیت

در ایران باستان

بخش چهارم: روش‌های تعلیم و تربیت



پژوهش‌گر: فروغ شاهرودی (فوق لیسانس فرهنگ و زبان‌های باستانی)

ادامه از شماره گذشته

و تربیت در محل‌های متفاوت انجام می‌شد که عبارت بودند از خانه، آتشکده، آموزشگاه درباری و از این قبیل.

بی‌شک نخستین و ابتدایی‌ترین محل برای آموزش دانش به طور عام خانه بوده است و پدر و مادر عهده‌دار آموزش و تربیت فرزندان‌شان بوده‌اند. سپس با مرور زمان با تحول اجتماعات و تمرکز خانواده‌ها، مکان آموزشی به خانه‌ی مربی انتقال یافت. چنین مکانی را

می‌توان نخستین محل تدریس گروهی یا مکتب خانه به‌شمار آورد.

با رواج دین زرتشت، آتشکده برای آموزش مورد استفاده قرار گرفت. اما در کنار آن مدارس ویژه‌ای برای فنون نظامی و آموزش‌های صنعتی و حرفه‌ای نیز وجود داشت. اما به هر حال تا زمان ساسانیان آتشکده‌ها همواره یکی از مراکز آموزشی، به ویژه آموزش‌های دینی به‌شمار می‌رفت.



در دوران اشکانیان نیز انضباط سخت رعایت می‌شد. ایرانیان در آن روزگار در تحمل سرما، گرما و تشنگی بسیار قوی بودند و این موارد در تربیت آنان منظور می‌شد.

چنانچه بیان شد انواع ورزش‌ها متداول بود و نوجوانان تعلیم می‌دیدند. هدف بعضی از ورزش‌ها به علاوه آشنا شدن با ریاضت و تحمل سرما و گرما و کمی خوراک بود؛

زیرا در نظر داشتند که جوانان به پیشامدهای جنگی خو بگیرند و در صورت ضرورت، تحمل داشته باشند.

در وندیداد آمده است: «ای زرتشت، مردان (تحصیل علم کننده) باید در سعی جهت تحصیل علم مثل آب داغ باشند (یعنی با زحمت بسیار باشند) و گوشت و لباس موافق خواهش خود نگیرند (یعنی هنگام تحصیل علم مقید به غذا و لباس خوب نباشند).»

بخش ششم: مراکز آموزشی

در ایران باستان، در زمان‌های مختلف، تعلیم

به خرمندی ایرانیان قبل از حمله‌ی اعراب نگاه کنید:

اگر شخصی مرتکب قتل می‌شد، سه نوع مجازات دامن‌گیر وی بود.

۱- ... ۲- ... ۳- ... نوع سوم آن این بود که قاتل و یا خانواده قاتل به اطرافیان قاتل دانش بیاموزند! شگفت نیست!!



صفحه ۸

« کتاب‌خانه‌های دیگر دوران باستان ایران عبارتند از: کتاب‌خانه‌ی استخر (فارس) قهندز در قصبه‌ی جی در اصفهان (دوران هخامنشی) و کتاب‌خانه‌ای در نسا (خراسان) و دیگری در تورقان (ترکستان) در دوران اشکانیان».^۵

مدارس رسمی

شروع تأسیس مدارس رسمی به زمان هخامنشیان بر می‌گردد. در زمان هخامنشیان با توسعه‌ی صنایع و حرفه‌های گوناگون و همچنین به دلیل وسعت قلمرو شاهنشاهی و لزوم ایجاد قصرها و بناهای مختلف، نیاز مبرمی به نیروی انسانی متخصص به وجود آمد. لذا این اولین گام برای ایجاد مدارس رسمی بود.

«مدارس رسمی ابتدا برای شاهزادگان و اشراف و درباریان بود. به همین جهت مدارس را در جنب قصر شاهی که محل سکونت ایشان بود دایر می‌کردند».^۶



اثر کاوش‌های باستان‌شناسی، کتاب‌خانه‌ای شامل سی هزار لوحه از گل پخته به دست آمده است که روی آن‌ها با خطوط میخی نوشته شده است».^۵

در دینکرد نیز آمده است که: «دارا (داریوش سوم) فرمان داد تا دو نسخه‌ی نوشته‌ی تمامی اوستا و زند را همان طوری که از اورمزد بر زرتشت الهام شده بود یکی را در خزانه‌ی اشیکان و دیگری را در دژ نبشت نگاه دارند».^۶

در کتاب پهلوی «شهرستان‌های ایران» که تاریخ تألیف آن سال ۸۰۰ میلادی است در ضمن بنای شهر سمرقند آمده است که برحسب فرمان شاه گشتاسب، زرتشت ۱۲۰۰ فصل در پیرامون آیین مقدس بر روی

استرابون مورخ بزرگ یونانی می‌گوید: آموزگاران ایرانی برای آموزش به دانش آموزان متن‌های درسی را با نوای موسیقی و ساز می‌نواختند تا فراگیری دانش‌جویان آسان‌تر صورت پذیرد.

لوحه‌های زرین نوشته و آن‌ها را در خزانه‌ی آتشگاه ورهران نهاد. بعدها اسکندر نابکار آن‌ها را سوزانیده و نابود کرد».^۷

در کتاب «عذرا و استر» نیز آمده است که در همدان (اکباتان)، ساختمان استواری در درون محوطه‌ی کاخ‌های شاهی به نام «اکرا» بنیاد شده بود که نه تنها محل خزانه‌ی شاهی بود، بلکه جای‌گاه نگاه‌داری اسناد شاهان ماد و پارس نیز بود.

ز جنزح یمانی یکی گنبدی نشسته نامور موبدی ازیرا چنین جایگه کرد راست که دانش از آن جای هرگز نکاست»^۲

کتاب‌خانه‌ها

از مراکز آموزشی دیگر می‌توان از کتاب‌خانه‌ها نام برد. کتاب‌خانه‌ها پیش‌تر در کنار آتشکده‌ها قرار داشت.

چنان‌چه در کتاب‌های تاریخ مربوط به ایران باستان نوشته شده است؛ در مراکز بزرگ مذهبی در ایران آتشکده‌هایی وجود داشت. برخی از این مراکز شامل آذربایجان، ری و بلخ بوده است. البته در کنار هر آتشکده‌ای نیز کتاب‌خانه‌ای وجود داشت. در آن

کتاب‌خانه‌ها نیز نوشته‌های متعدد زمان‌های گذشته نیز موجود بود. کتزیاس^۳ از این کتابخانه‌ها با عنوان «دفاتر شاهی» نام می‌برد. هرودوت نیز در کتاب تاریخ خود از این دفاتر و اسناد شاهی سخن می‌گوید.

از کتابخانه‌های معروف آن روزگار، کتاب‌خانه‌ی دژنبشت بود. «در آنجا

علاوه بر اوستای معروف که بر روی ۱۲ هزار پوست حیوانات نوشته شده بود، کتاب‌های متعدد دیگری نیز وجود داشت که در زمان حمله‌ی اسکندر نابود شده است».^۴

همچنین در قسمت شمالی تخت جمشید بر

اوستا می‌گوید: با دیو تنبلی و کاهلی بجنگید، زیرا بی‌کاری و کاهلی انسان را ناتوان و رنجور خواهد کرد.

۵ همانجا، ص ۵۸

۶ دینکرد ۴: ۲۳

۷ سیری در تاریخ فرهنگ ایران، ص ۳۵۳

۲ شاهنامه، به تصحیح فرصت شیرازی، ص ۱۰۹

۳ Ctessias

۴ سیری در تاریخ فرهنگ ایران، ص ۵۸

۸ آموزش و پرورش در ایران باستان، ص ۴۰۶

۹ همانی ص ۸۷



مصر دایر گردید.^{۱۱} «چند دانشکده و مدرسه‌ی عالی مهم نیز در شهرهای «بورسیپا» Borsippa و «میلیتوس» Militus در آسیای صغیر که در قلمرو ساهنشاهی ایران بود تشکیل گردید و هر یک شهرت بسیاری داشتند.»^{۱۲}

ایرانیان، کار آمدترین شیوه‌های آموزشی، پرورشی و تربیتی را برای همگانی کردن آموزش تا قبل از هجوم اعراب به کار برده‌اند.

به علاوه «چند دانشکده نیز در شهرهای آذربایجان و بلخ وجود داشت.»^{۱۳} البته، «نخستین فرهنگستان در دنیا در زمان دارای بزرگ (داریوش) در اکباتان (همدان) تحت ریاست زاب حکیم بود.»^{۱۴}

همچنین «فرهنگستانی در شهر» سارد Sard وجود داشت که در آن فرزانه‌گان و کاوش‌گران نام‌آوری به کار بررسی لغات می‌پرداختند.»^{۱۵}

انجمن‌های فرهنگی نیز از زمان هخامنشیان رواج داشته است. «در عصر هخامنشی، حوزه‌های علمی و فرهنگی فراوانی وجود داشت از آن جمله یکی انجمن فرهنگی همدان بود که یک صد تن از ارباب فضل و ادب به فرمان پادشاه در آن عضویت داشتند.»^{۱۶}

مدارس عمومی

بجز مدارس رسمی که بیشتر خاص درباریان و شاهزادگان بود، مدارس عمومی نیز وجود داشت. در مدارس عمومی طبقات مختلف مردم آموزش می‌دیدند. «مدارس عمومی در نقاط مسکونی مردم ساخته می‌شد.»^{۱۷}

دانشکده‌ها و انجمن‌های ملی

بر طبق شواهد تاریخی، در ایران باستان، از دوران هخامنشیان و تا پایان عصر ساسانیان، دانشکده‌ها و انجمن‌های ملی در ایران آن دوران که قلمرو وسیعی را شامل می‌شد، وجود داشت. «در زمان هخامنشیان، دانشکده

وندیداد: من با کسانی هستم که مطیع قانون هستند.

چنانچه قبلاً ذکر شد، استرابون در کتاب «یونانی‌ها و بربرها»^۱ آورده که این مدارس که جای‌گاه خاص خاندان‌های شاهی بود «جای‌گاه آزادی» نامیده می‌شد و به چهار بخش تقسیم می‌شد از جمله کودکان، نوجوانان، مردان جوان و مردان سالخورده. هر یک از بخش‌ها را ریسی اداره می‌کرد و خود به دوازده قسمت تقسیم می‌شد. البته آموزگاران کار آزموده نیز تدریس را به عهده داشتند.



در شاهنامه نیز آمده است:

پس آنگاه سام از پی پور خویش
هنرهای شاهان بیاورد پیش
جهان دیدگان را ز کشور بخواند
سخن‌های بایسته چندی براند

«سایس» در جوار معبد «نیت» در مصر بود که با بودجه‌ی ایران و به دستور داریوش بزرگ و به دست یکی از پزشکان معروف مصری برای تحصیل علم طب در «سایس»^{۱۸}

۱۰ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۸۷

۱۱ سیری در تاریخ فرهنگ ایران، ص ۵۷

۱۲ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۳۲۰

۱۳ همانجا، ص ۱۶۹

۱۴ تمدن شش هزار ساله ایران، ص ۱۸

۱۵ سیری در فرهنگ ایران، ص ۵۷

۱۶ همانجا

اهورا مزدا پرستش و ستایش شود. «ای اهورامزدا چنان که تو در حق کسی که نیک است فکر کردی و گفتی و خلق کردی و کار کردی، همچنان ما به تو تقدیم می‌کنیم و تو را پرستش می‌کنیم...»^{۲۰}

قبل از همه شناختن اوست به این که یگانه آفریننده می‌باشد: «ای اهورامزدا، تویی نخستین پدید آورنده...»^{۲۱} و هم او اهورامزدا، بهترین است: «..... ای اهورامزدا، تویی بهتر و با بهترین راستی هم اراده.»^{۲۲} و امید همه به سوی اوست: «ای کسی که آرزوهای ما از تو برآورده شده و امید بهشت ما به سوی توست.»^{۲۳}



سپس شناخت صفات او که مظاهر آن امشا سپندان هستند و نقش آن‌ها و ستایش آن‌ها: «پس اهورامزدا گفت تو که زرتشت هستی ستایش کن دین خوب مزداپرستی را، تو که زرتشت هستی ستایش کن امشا سپندان را که بر هفت کشور زمین (پادشاه) هستند.....»^{۲۴} و ستایش بهشت را: «بهشت پرهیزکاران را که درخشان و پر راحت است ستایش می‌کنم.....»^{۲۵}

ادامه دارد.

- ۲۰ وندیداد، فرگرد ۱۰، فقره ۴
- ۲۱ یسنا، های ۲۹، فقره ۱۰
- ۲۲ یسنا، های ۲۸، فقره ۸
- ۲۳ یسنا، های ۲۸، فقره ۹
- ۲۴ وندیداد، فرگرد ۱۹، فقره ۱۳
- ۲۵ همانجا، فقره ۳۶

«بعد از زاییده شدن، پاکی برای مردم بهترین است ای زرتشت، آن پاکی دین زرتشتی است.»^{۱۷} زیرا که چنین است: «ای سپیتمان»^{۱۸} زرتشت ورود در دین مزداپرستی؟ مرد پارسا را از نیت بد و گفتار بد و کردار بد پاک کند مانند باد سخت تندی که از جو جنوبی وزیده و همه جا را پاک کند.»^{۱۹}

راست‌گویی نخستین پدیده یک زندگی شرافتمندانه است. ایرانیان صاحب چنین سرشتی بوده‌اند.

- ۱۷ وندیداد، فرگرد ۵، فقره ۲۱
- ۱۸ سپیتمان، نام خاندان زرتشت است.
- ۱۹ وندیداد، فرگرد ۳، فقره ۴۲

بخش هفتم: مواد آموزشی
مواد آموزشی تعلیم و تربیت در ایران باستان شامل موارد زیر می‌باشد:

آموزش اخلاقی و دینی، آموزش کشاورزی و دامپروری، آموزش تندرستی و نیرومندی، آموزش نظامی، آموزش‌های هنری و صنعتی و تعلیمات عالیه.

اینک به بررسی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

آموزش اخلاقی و دینی
پایه‌های اساسی فرهنگ و اندیشه‌های ایرانیان باستان بر آرمان‌های اخلاقی و مذهبی بنا شده بود. این آرمان‌ها به خصوص متأثر از آیین زرتشتی بود.

مواد درسی با مسایل دینی آغاز می‌شد که مهم‌ترین ماده درسی را تشکیل می‌داد. برنامه

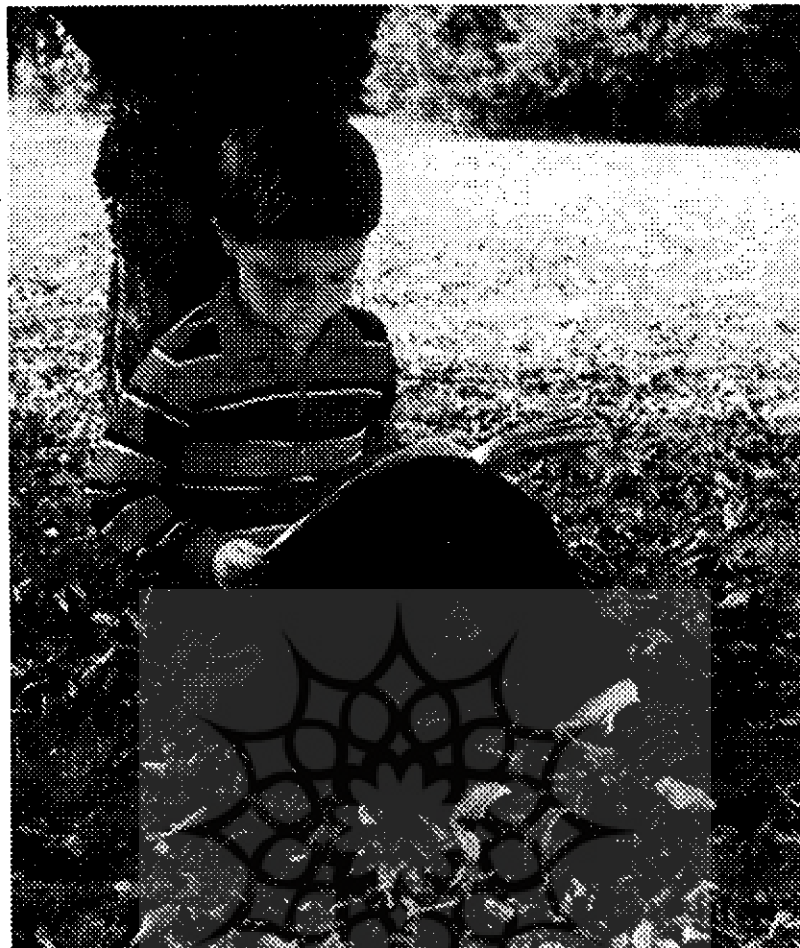
بسیاری از تاریخ‌نویسان بزرگ یونان شیوه‌های آموزشی ایران باستان را ستوده‌اند و آن را بی‌نظیر گفته‌اند.

و روش آموزش چنان بود که در ذیل مسایل دینی، کودکان را با تعلیمات اخلاقی و اجتماعی نیز آشنا می‌ساختند.

مهم‌ترین بخش در تربیت دینی شامل شناخت مبانی و اصول دین بوده است. قبل از همه گفته شده است که دین زرتشتی دین پاکی است. افراد با ورود در این دین پاک از تمامی ناپاکی‌ها و پستی‌ها پاک می‌شوند.

اهورا مزدا پرستش و ستایش شود. «ای اهورامزدا چنان که تو در حق کسی که نیک است فکر کردی و گفتی و خلق کردی و کار کردی، همچنان ما به تو تقدیم می‌کنیم و تو را پرستش می‌کنیم...»^{۲۰}

قبل از همه شناختن اوست به این که یگانه آفریننده می‌باشد: «ای اهورامزدا، تویی نخستین پدید آورنده...»^{۲۱} و هم او اهورامزدا، بهترین است: «..... ای اهورامزدا، تویی بهتر و با بهترین راستی هم اراده»^{۲۲} و امید همه به سوی اوست: «ای کسی که آرزوهای ما از تو برآورده شده و امید بهشت ما به سوی توست»^{۲۳}.



سپس شناخت صفات او که مظاهر آن امشا سپندان هستند و نقش آن‌ها و ستایش آن‌ها: «پس اهورامزدا گفت تو که زرتشت هستی ستایش کن دین خوب مزداپرستی را، تو که زرتشت هستی ستایش کن امشا سپندان را که بر هفت کشور زمین (پادشاه) هستند.....»^{۲۴} و ستایش بهشت را: «بهشت پرهیزکاران را که درخشان و پر راحت است ستایش می‌کنم.....»^{۲۵} ادامه دارد.

- ۲۰ وندیداد، فرگرد ۱۰، فقره ۴
- ۲۱ یسنا، های ۲۹، فقره ۱۰
- ۲۲ یسنا، های ۲۸، فقره ۸
- ۲۳ یسنا، های ۲۸، فقره ۹
- ۲۴ وندیداد، فرگرد ۱۹، فقره ۱۳
- ۲۵ همانجا، فقره ۳۶

«بعد از زاییده شدن، پاکی برای مردم بهترین است ای زرتشت، آن پاکی دین زرتشتی است»^{۱۷} زیرا که چنین است: «ای سپیتمان»^{۱۸} زرتشت ورود در دین مزداپرستی؟ مرد پارسا را از نیت بد و گفتار بد و کردار بد پاک کند مانند باد سخت تندی که از جو جنوبی وزیده و همه جا را پاک کند»^{۱۹}. بعد از ورود در دین پاک لازم است که

راست‌گویی نخستین پدیده یک زندگی شرافتمندانه است. ایرانیان صاحب چنین سرشتی بوده‌اند.

- ۱۷ وندیداد، فرگرد ۵، فقره ۲۱
- ۱۸ سپیتمان، نام خاندان زرتشت است.
- ۱۹ وندیداد، فرگرد ۳، فقره ۴۲

بخش هفتم: مواد آموزشی مواد آموزشی تعلیم و تربیت در ایران باستان شامل موارد زیر می‌باشد:

آموزش اخلاقی و دینی، آموزش کشاورزی و دامپروری، آموزش تندرستی و نیرومندی، آموزش نظامی، آموزش‌های هنری و صنعتی و تعلیمات عالیه.

اینک به بررسی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

آموزش اخلاقی و دینی

پایه‌های اساسی فرهنگ و اندیشه‌های ایرانیان باستان بر آرمان‌های اخلاقی و مذهبی بنا شده بود. این آرمان‌ها به خصوص متأثر از آیین زرتشتی بود.

مواد درسی با مسایل دینی آغاز می‌شد که مهم‌ترین ماده درسی را تشکیل می‌داد. برنامه

بسیاری از تاریخ‌نویسان بزرگ یونان شیوه‌های آموزشی ایران باستان را ستوده‌اند و آن را بی‌نظیر گفته‌اند.

و روش آموزش چنان بود که در ذیل مسایل دینی، کودکان را با تعلیمات اخلاقی و اجتماعی نیز آشنا می‌ساختند.

مهم‌ترین بخش در تربیت دینی شامل شناخت مبانی و اصول دین بوده است. قبل از همه گفته شده است که دین زرتشتی دین پاکی است. افراد با ورود در این دین پاک از تمامی ناپاکی‌ها و پستی‌ها پاک می‌شوند.